ما به صورت پسینی است یعنی صبر می‌کنیم اتفاق رخ دهد و بعد یقه بانک را می‌گیریم که چرا چنین مشکلی پیش آمده است. معمولاً وقتی چنین اتفاقی در نظام بانکی کشور اتفاق می‌افتد، این جامعه است که باید این هزینه را متحمل شود. مشکل بعدی بحث نظام مقررات حقوقی ایران است و نهاد ناظر، که فعلاً در ایران بانک مرکزی است، نمی‌تواند خیلی سربه‌سر بانک‌ها بگذارد؛ فرض کنید بانک مرکزی تشخیص دهد فلان بانک کار خود را خوب انجام نداده است؛ شنیده‌های من اینگونه است که در بالاترین حالت یک گزارش از مشکل تهیه می‌شود و بانک مرکزی متولی امور آن بانک می‌شود و هیئت‌مدیره برای آن معرفی می‌کند اما از نظر حقوقی صاحبان سهام بانک (که ممکن است خود آنها بانی مشکلات و ورشکستگی بانک باشند) می‌توانند از دادگاه حکم بگیرند و برای هیئت‌مدیره‌ای که بالاترین سطح قانونگذاری کشور به آنها مجوز داده دردسر ایجاد کنند.

با تورم بالا در سال‌های آینده کنار می‌آییم

کامران ندری: اگر از منظر اقتصاد کلان، تورم بالا را بپذیریم و مشکلی با آن نداشته باشیم شاید به نظارت هم نیازی نباشد چون همه چیز را می‌توانیم با پولی کردن حل کنیم یا اگر بانکی مقررات احتیاطی را رعایت نکرد و درباره دارایی‌ها و تعهدات خود ملاحظات لازم را نداشت، می‌توان با وام گرفتن از منابع بانک مرکزی مشکلات آن بانک را حل کرد.

علت اینکه تاکنون مسئله نظارت را جدی نگرفته‌ایم این است که بالارفتن تورم را پذیرفته‌ایم و تا زمانی که نگاه ما به تورم این است که در محدوده حدود ۴۰ درصد باشد، می‌توان با خلق پول مشکلات بانک‌ها را حل کرد.

مسئله نظارت زمانی اهمیت پیدا می‌کند که بخواهیم یک تصمیم جدی برای کنترل تورم در کشور بگیریم که به نظر من چنین تصمیمی هنوز در اقتصاد کشور ما به‌صورت جدی به آن فکر نشده است. حسِ من می‌گوید در سال‌های آینده نیز با تورم بالا کنار خواهیم آمد و احتمالاً ما را از تقویت ساختارهای نظارتی بی‌نیاز کند.

مسئله نظارت در اقتصاد ایران را در ابعاد و حوزه‌های مختلف می‌توان بررسی کرد؛ یکی از آنها بحث‌های زیرساختی و بنیادی است. وقتی قانون ورشکستگی مناسب برای بانک‌ها نداریم طبیعتاً هیچ‌وقت نمی‌توانیم مسئله نظارت را به درستی اعمال کنیم چون همیشه از این ترسیده‌ایم که اگر کار بانکی به ورشکستگی رسید چگونه باید آن را حل کنیم. وقتی استانداردهای حسابداری و حسابرسی مشکل دارد طبیعتاً نمی‌توان بانک‌ها را مطابق با استانداردهای روز دنیا حسابرسی کرد و یا شفافیت لازم را در صورت‌های مالی ایجاد کرد. اگر چنین زیرساختی در اقتصاد وجود نداشته باشد بنده بعید می‌دانم حتی با ایجاد معاونت نظارت در بانک مرکزی و دادن اختیارات بالا به آن کاری صورت بگیرد و در حقیقت دست و بال او بسته است.

ما واقعاً نمی‌دانیم اگر یک مؤسسه مالی که اهمیت سیستمی دارد با مشکل مواجه شد چه نهادی باید تکلیف آن را مشخص کند. در کشورهای دیگر این مسئله را بر عهده دولت گذاشته‌اند و دولت نمی‌پذیرد که با استفاده از منابع مالی مشکل این مؤسسه را حل کند. در ایران هیچ دستورالعملی در خصوص اینکه این روند چگونه باید طی شود، نداریم و مسائل زیرساختی از اتفاقاتی است که حاکمیت باید در مورد آن تصمیم بگیرد و به تنهایی از عهده بانک مرکزی برنمی‌آید و کل حاکمیت باید اراده و آن را مهیا کند.

یکی دیگر از چالش‌های ما چالش مالکیتی است، ساختار مالکیتی که در بانک‌ها وجود دارد و ما به آن «بخش عمومی غیردولتی صاحب قدرت ذی‌نفوذ» می‌گوییم به‌صورتی است که هیچ معاون نظارتی در بانک مرکزی و هیچ سازمان نظارتی نمی‌تواند از پسِ آنها بربیاید. اگر اصل ۴۴ قانون اساسی را به همان شکل اصلی حفظ می‌کردیم شاید می‌توانستیم با بانک‌ها برخورد کنیم چون می‌شد با بانک دولتی برخورد کرد ولی با بانک‌های شبه‌دولتی صاحب قدرت ذی‌نفوذ نمی‌توان کاری کرد. اگر قانون بانک مرکزی به روز شود و محکم‌ترین قانونی که در حوزه نظارتی بانکی در دنیا وجود دارد را بیاورید باز هم با این چالش مالکیتی کاری را پیش نخواهیدبرد.

در اقتصاد ایران وظیفه سیاستگذار پولی و ناظر خیلی شفاف از یکدیگر تفکیک نشده است و در واقع وقتی هم وظیفه نظارت و هم وظیفه سیاستگذاری پولی به یک نهاد سپرده می‌شود از عهده هیچکدام برنخواهد آمد. سالیان سال است که با بانک‌های کشور مدارا شده و همین باعث شده مشکلی حل نشود. بانک مرکزی به‌عنوان آخرین مرجع وام‌دهنده (که ما به شوخی می‌گوییم اولین مرجع چون تا بانک‌ها به مشکل برمی‌خورند اولین کاری که می‌کنند به بانک مرکزی مراجعه می‌کنند) نتوانسته مرجع نظارتی خود را از مرجع سیاستگذاری تفکیک کند. مسئله بعد، بحث استقلال مقام ناظر است و من بعید می‌دانم مقام ناظر ما استقلال عملیاتی لازم و منابع مالی کافی را برای اعمال نظارت داشته باشد.

باید اصلاح قوانین نظارتی در دهه ۸۰ انجام می‌شد

علی مدنی‌زاده: ذات نظارت داستان موش و گربه است و باید تلاش کرد تا جایی که می‌شود انضباط بانکی را محقق کرد و برای انجام آن باید به شاخص‌ها چه به صورت پیشینی و چه به صورت پسینی نظارت کرد. اگر این شاخص‌ها دچار مشکل شد و در آستانه خطر قرار گرفت، زمانی است که باید رگولاتور وارد شود و شرایط باید به‌گونه‌ای باشد تا بانک بترسد که بخواهد تخلفی را انجام دهد؛ بعد از آن است که بانک وارد مراحلی مانند انحلال، ورشکستگی بانک و یا ادغام آن با یک بانک دیگر می‌شود تا سهامدار بداند این مسئله شوخی‌بردار نیست و اگر کمی بد بازی کند سهام بانک رفته و بانک را از آنان می‌گیرند.

حال اگر نظارت اتفاق نیفتد چه رخ خواهد داد؛ اگر بانک مشکل نقدینگی پیدا کند و به کسری بخورد، در کوتاه‌مدت با مشکل اضافه‌برداشت و در بلندمدت با زیان انباشته مواجه خواهد شد و در انتهای همه آنها به تورم منجر خواهد شد. اتفاق دیگری که در این میان رخ می‌دهد نیز موضوع فساد است.

داستانی که در ایران رخ داده به این صورت است که تا انتهای دهه ۷۰ نظام بانکداری ما دولتی بود و سازمان بازرسی بالای سر آنها بود و نظارت اداری انجام می‌داده است، اگر تخلفی رخ می‌داد مدیرعامل را می‌گرفتند و همه چیز مشخص بوده که کجا تخلف رخ داده است. در آمریکا نیز چنین بوده و یک قاعده‌ای به نام «۳-۶-۳» داشتند به این معنی که نرخ ۳ درصد سپرده بگیر، ۶ درصد تسهیلات بده و ساعت ۳ نیز تعطیل کن و برو.

اما وقتی بانکداری خصوصی در دهه ۸۰ در کشور ایجاد می‌شود، طبیعتاً باید اصلاح قوانین صورت می‌گرفت و این اصلاح قوانین قدرت نظارت را ایجاد می‌کرد اما متاسفانه این اتفاق رخ نداد. در دهه ۸۰ به دلیل وفور منابع نفتی، اتفاقی که رخ داد این بود که ریسک‌ها در نظام بانکی انباشته شده بود اما به دلیل وجود منابع نفتی دیده نمی‌شد، تا اینکه به انتهای دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ می‌رسیم که وارد تحریم و رکود اقتصادی می‌شویم و گویی به یکباره برای نظام بانکی جفت پا گرفته می‌شود و به اصطلاح وارد فرآیند ماشه می‌شوند و وقتی ماشه چکانده می‌شود، شاخص‌های سلامت نظام بانکی ما شروع به بدتر شدن می‌کند.

از سال ۹۶ نقدینگی و اضافه‌برداشت‌ها سرازیر شد و از سال ۹۷ تخلیه بحران بانکی را داشتیم به‌علاوه شوکی که ناشی از خروج آمریکا از برجام بود و شروع تورم و جهش نرخ ارز ناشی از ضعف شدید نظراتی بود که در سیستم بانکی ما وجود داشت. می‌خواهم به این نکته تاکید کنم که اگر مسئله خروج ترامپ از برجام هم نبود باز هم ما جهش ارز را در نمونه کوچکتر تجربه می‌کردیم. سوال اینجاست که چرا نظارت درست اتفاق نیفتاد؛ یکی این است که قوانین مناسبی برای بانکداری خصوصی نداریم، دومی مسئله ضعف کارشناسی شدیدی است که در بدنه حاکمیت در خصوص مسئله نظارت وجود دارد. محور سوم به استقلال بانک مرکزی برمی‌گردد؛ به‌هرحال نهاد ناظر باید مستقل باشد. وقتی بانک مرکزی از دولت و شبکه بانکی مستقل نیست و استقلال ندارد، هر خطایی اتفاق بیفتد نمی‌تواند رای دهد، شما نگاه کنید به پرونده‌هایی که در شورای پول و اعتبار بوده و سالیان سال در دستور جلسات مانده و هیچگاه نیز بررسی نشده است چون افراد ذینفع در این شورا بودند. چرا می‌گویم افراد ذینفع، برای اینکه همان‌طور که در بخش شرکتی، خصوصی‌سازی واقعاً خصوصی نبوده و شبه‌دولتی‌سازی بوده، سیستم بانکی نیز متاسفانه از این آسیب مصون نماند. در چنین فضایی استقلال بانک مرکزی به‌عنوان نهاد ناظر خدشه‌دار می‌شود؛ مثلاً فرض کنید وزیر جهادکشاورزی به شرکت بازرگانی دولتی دستور دهد تا یارانه گندم دهد، این شرکت کسری خود را باید از طرف دولت تامین کند و آن را از بانک کشاورزی می‌گیرند، این بانک به اسم تسهیلات پول را می‌دهد اما قرار نیست این منابع دوباره برگردد و مجبور است از بانک مرکزی اضافه‌برداشت کند، برای این برداشت به شورای پول و اعتبار می‌رود اما بانک مرکزی می‌گوید باید بانک کشاورزی منحل شود، اما این اتفاق رخ نمی‌دهد چون وزیر جهادکشاورزی در این شورا است و نمی‌گذارد بانک منحل شود. این اتفاق اگر برای بانک رفاه در خصوص تامین اجتماعی رخ دهد وزیر رفاه در این شورا مانع خواهد شد. این ذات تعارض منافع وجود دارد که خوشبختانه در قانون جدید بسیاری از آنها اصلاح شده است و قدم روبه‌جلویی محسوب می‌شود. واقعیت این است که حرف از نظارت می‌زنیم اما این نظارت برای سیستم بانکداری خصوصی است که بانک مرکزی می‌تواند به مدیرعامل بگوید که می‌تواند او را عزل کند اما در سیستم بانکداری دولتی اگر بانک مرکزی چنین حرفی را به مدیرعامل بانک دولتی که منصوب وزیر اقتصاد است بزند خود رئیس بانک مرکزی عزل خواهد شد.

علی مدنی‌زاده
استاد دانشگاه صنعتی شریف:

وقتی بانکداری خصوصی در دهه ۸۰ در کشور ایجاد می‌شود، طبیعتاً باید اصلاح قوانین صورت می‌گرفت و این اصلاح قوانین قدرت نظارت را ایجاد می‌کرد اما متاسفانه این اتفاق رخ نداد

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور - حوزه ثبت ملک شهرری

آگهی فقدان سند مالکیت

متقاضی داود توسلی و محبوبه امین‌رعیای جزه آدرس: تهران، خیابان شهید رجایی، خیابان صنعت، انتهای خیابان صنعت، انبار ندا یک پلاک ۱۹۴ با تسلیم دو برگ استشهاد مصدق به شماره ۷۰۸۷۵۵ مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۱۶ دفترخانه ۵۳ ری به شرح وارده ۲۴۰۰۴۵۵۱ مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۱۶ اعلام نموده که یک قطعه زمین به پلاک ثبتی ۱۳۴۶ فرعی از ۱۶۴ اصلی، مفروز و مجزاشده از ۹۷ فرعی از اصلی مذکور، قطعه ۶ و واقع در بخش ۱۲ ناحیه ۰۲ حوزه ثبت ملک شهرری استان تهران به مساحت ۴۸۷۵/۳۹ مترمربع مقدار ۸۸ سهم از ۱۲۹۶ سهم ذیل دفتر الکترونیک ۱۴۰۲۲۰۳۰۱۰۲۴۰۱۱۴۳۴ به چاپی ۱۴۳۵۹۲ به نام صدیقه امین رعیای جزه ثبت و سند صادر گردیده و سپس برابر سند انتقال ۲۴۷۳۲ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۱۴ دفترخانه ۵۳ ری به نام محبوبه امین رعیای جزه نسبت به ۳۰ سهم از ۱۲۹۶ سهم و داود توسلی نسبت به ۵۸ سهم از ۱۲۹۶ سهم انتقال گردیده و فاقد رهن می‌باشد. به علت جابه‌جایی منزل مفقود گردیده و تقاضای صدور المثنی سند مالکیت نموده است. لذا طبق ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی می‌شود تا هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای کرده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مهلت مقرر اعتراضی نرسد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد. گیرندگان رونوشت: ۱- جهت اطلاع به ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره) ۲- اداره کل تحقیق و استرداد بنیاد مستضعفان

م الف: ۲۲۳

سیدمهدی لامعی - رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرری - از طرف سهراب عزیزنژاد

شرکت آبفا فارس

آگهی مناقصه و ارزیابی کیفی

شناسه آگهی: ۱۷۲۴۲۵۵
نوبت اول

شماره آگهی مناقصه در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت: ۲۰۰۳۰۰۵۶۶۹۰۰۰۰۰۷
نوع فراخوان: ارزیابی کیفی و مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای
شرکت آبفا استان فارس در نظر دارد از طریق ارزیابی کیفی و مناقصه عمومی یک‌مر حله‌ای نسبت به انتخاب پیمانکاران واجد شرایط با رتبه حداقل ۵ در رشته آب جهت پروژه عملیات اجرای شبکه فاضلاب شهر جهرم (قطعه ۳۳) اقدام نماید.
۱) محل پروژه: شهرستان جهرم
۲) مدت اجرا ء پروژه: ۱۲ ماه
۳) مبلغ برآورد: ۲۸۵/۷۳۰/۰۶۷/۰۵۶ ریال
۴) محل اخذ اسناد: سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir
۵) تاریخ نهایی اخذ اسناد: ۱۴۰۳/۰۳/۱۳
۶) تاریخ نهایی قبول پیشنهادات: ۱۴۰۳/۰۳/۲۶
۷) تاریخ کمیسیون بازگشایی پاکات مناقصه: ۱۴۰۳/۰۳/۲۷
۸) به پیشنهادهای فاقد امضاء، مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از انقضاء مدت مقرر در مناقصه ارائه شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۹) مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۱۴/۲۹۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال. شماره شبا جهت اخذ ضمانتنامه
IR ۰۸۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۲۳۲۰۷۱۴۵۴۷۶ شناسه ملی ۱۰۵۳۰۱۷۱۴۲۹
۱۰) قیمت اسناد ۲۰۰۰۰۰۰ (ریال) به حساب ۰۱۱۱۹۳۰۰۳۲۰۰۸ بانک صادرات به شناسه پرداخت ۱۳۱۳۲۹۹۰۰۱۴۰۰۵ به‌نام شرکت آب و فاضلاب استان فارس که حتماً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت انجام پذیرد.
۱۱) اعتبارات طرح از محل ایجاد تاسیسات فاضلاب شهر جهرم می‌باشد.
۱۲) نوع تضمین شرکت در مناقصه:ضمانت نامه بانکی (شرکت در فرآیند ارجاع کار) در وجه شرکت آب و فاضلاب استان فارس.(سه ماه اعتبار)
۱۳) سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسنادمناقصه درج شده است.
۱۴) هزینه درج دو تا سه نوبت آگهی در روزنامه کثیرالانتشار به عهده برنده مناقصه می‌باشد.
۱۵) این آگهی در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir ثبت گردیده فقط پاکاتی قابل قبول و بازگشایی است که شرکت‌کننده (مناقصه‌گر) کلیه مدارک را در سامانه بارگذاری و پیشنهاد قیمت را ارائه نموده باشد، پاکت الف شامل ضمانتنامه شرکت در فرآیند ارجاع کار بایستی قبل از اتمام ساعت تحویل اسناد در سامانه تدارکات دولت تحویل دبیرخانه شرکت آب و فاضلاب استان فارس به آدرس زیر گردد.
آدرس: شیراز - میدان مطهری - بلوار شهید قدوسی غربی- شرکت آب و فاضلاب استان فارس - تلفن:۵-۳۸۴۳۵۱۵۲ نمابر: ۳۸۴۳۵۱۶۶
وب سایت جهت باز بینی آگهی مناقصه www.abfa-fars.ir می‌باشد.

تاریخ آگهی نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۳/۰۸
تاریخ آگهی نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۳/۱۰

شرکت آبفا استان فارس

نگاه روز

استیشن‌ها خاموش شد

بازار سرمایه ماه‌هاست رنگ سبز را کمتر به خود دیده و شاخص کل بورس هر روز در ریزش آمار جدیدی را ثبت می‌کند.

دیروز هم شاخص با ریزش بیش از ۲۰۰۰۰ واحدی در جایگاه ۲ میلیون و ۵۸ هزار واحد قرار گرفت. این شرایط سبب شده طی یک هفته قبل ۱۵۸۰ میلیارد تومان نقدینگی از بازار خارج شود و نکته قابل تأمل اینکه در یک هفته گذشته بر شدت خروج هم نسبت به میانگین ماهانه افزوده شده است. وقتی معاملات صندوق‌های درآمد ثابت را نگاه می‌کنیم می‌بینیم در یک هفته گذشته ۱۳۶۳ میلیارد تومان ورود نقدینگی حقیقی داشته است. در یک هفته گذشته شیب ورود به این صندوق‌ها هم نسبت به میانگین ماهانه، در حال افزایش بوده و این استقبال نشان‌دهنده آن است که وضعیت بازار سهام ریزشی است که میل به صندوق‌ها افزایش یافته است.

اما همه این شرایط باعث شد دیروز تریدر کارگزاری‌ها در واکنش به ادامه روند نزولی بازار سرمایه استیشن‌های خود را خاموش کنند.

از آنجا که تمرکز سیاستگذار پولی بر کاهش نقدینگی و به‌دنبال آن کنترل تورم قرار گرفته، این سیاست خود را در بازار سهام به شکل افت معاملات و ارزش‌ها نشان می‌دهد. دولت در ماه‌های گذشته در کنترل نقدینگی تا حدودی موفق بود و توانست نرخ تورم را تا ۴۰ درصد پایین بیاورد اما ما به ازای این سیاست، دیگر بخش‌های اقتصادی اثراتی بعضاً منفی گرفته‌اند.

اول آنکه به دنبال اعمال سیاست‌های انقباضی، تولید در مضیقه مالی قرار گرفت و تامین سرمایه در گردش تولید از طریق منابع بانکی با محدودیت و افزایش نرخ مواجه شد. در واقع نرخ‌ها به دنبال اجرای سیاست انتشار اوراق گواهی سپرده خاص با نرخ ۳۰ درصد اتفاق افتاد و پس از آن دولت نرخ سود اوراق اخزا یا همان اسناد خزانه را تا سطح ۴۰ درصد بالا برد و تامین مالی سخت و گران برای تولید خود را به شکل افت ارزش‌ها در بازار سهام نشان داد. با این حال محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی دیروز در گفت‌وگویی اذعان داشته که مشکل رکود بورس قبل از افزایش نرخ سود سپرده‌ها وجود داشته. او گفته هرچند برخی رسانه‌ها بازده دارایی در سهام را که منفی ۸/۳ درصد بوده به اقدام بانک مرکزی در عرضه سپرده خاص با نرخ ۳۰ درصد نسبت داده‌اند اما باید گفت بازار سرمایه ماه‌هاست منفی بوده که باید بررسی شود.

صرف نظر از اینکه گواهی خاص چه اثراتی بر بازار سرمایه گذاشته، در سیاست‌های مالی هم ردی از اثرات نامطلوب بر بورس می‌بینیم. در بودجه ۱۴۰۳ دولت پیش‌بینی لغو معافیت مالیاتی شرکت‌های بورسی را لحاظ کرده است. این مسئله هم بر شدت ریزش‌ها در این بازار افزود و بازار را قرمزتر کرد.

پس از تعطیلی بورس به دنبال حادثه بالگرد ابراهیم رئیسی و همراهانش، دامنه نوسان سهام به ۲درصد کاهش پیدا کرد و طی چهار روز متوالی بازار سرمایه منفی است و نمادهای معاملاتی هم با صف فروش مواجه هستند.

در شرایطی که دامنه نوسانات کاهشی است، سهامداران نیز با هیجانات بیشتری در صف فروش قرار می‌گیرند. با تداوم این تصمیم دست بازارگردانان هم برای کنترل بازار سرمایه و تلاش برای بهبود نقدشوندگی بسته شده و از سوی دیگر صندوق‌های سهامی هم با وجود آنکه نقدشوندگی بالا مزیت‌شان می‌باشد، با صف‌های فروش مواجه شده‌اند.

اخباری در خصوص ابلاغیه بانک مرکزی پیرامون ممنوعیت رفع تعهد ارزی پتروشیمی‌ها با فروش طلا منتشر شد و همچنین سردرگمی پتروشیمی‌ها در بحث خوراک سبب شکل‌گیری صف فروش آنها شده است.

در این شرایط کارشناسان معتقدند در صورتی که دولت صف فروش پتروشیمی‌ها را جمع کند می‌توان انتظار داشت تاثیر مثبتی بر بازار بگذارد. از طرف دیگر برخی تحلیلگران معتقدند دامنه نوسان باید به حالت عادی بازگردد تا بازار تعادل خود را به دست بیاورد.